



بعثتی در خود



«شاخص‌های حکومت علوی
از زبان پدر فرزانه انقلاب»

۱- پابندی کامل به دین خدا و اصرار

به اقامه دین الهی

هر حکومتی که اساس کارش بر اقامه دین خدا نباشد، علوی نیست. در زمان صدر اسلام در موقع جنگ، شخصی پیش حضرت علی (ع) آمد و سؤالی راجع به توحید پرسید. اطرافیان گفتند: چه موقع سؤال است؟! حضرت فرمود: «نه، بگذارید جوابش را بدهیم. ما برای همین می‌جنگیم.» اگر در نظام اسلامی اقامه دین خدا حرف نباشد، مردم به دین خدا عمل نکنند، نکنند، اعتقاد داشته یا نداشته باشند و بگوئیم به ما چه ربطی دارد! اگر این‌طور باشد، این حکومت علوی نیست.

۲- عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی یعنی هیچ مصلحت شخصی و هیچ سیاست مربوط به شخص، خود را بر عدالت مقدم نکند. حضرت می‌فرماید: «من حاضر نیستم پیروزی را از راه ظلم به دست بیاورم». عدالت برای همه و عدالت در همه شئون، یعنی عدالت اقتصادی، عدالت سیاسی، عدالت اجتماعی و عدالت اخلاقی واجب و ضروری است.

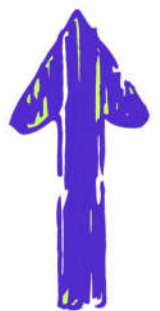
۳- تقوای الهی

تقوای الهی یعنی آن شدت مراقبتی که انسان در اعمال شخصی خود از راه حق هیچ تخطی نکند و کاملاً مراقب خود باشد. مثلاً در دست زدن به پول، آبروی انسان‌ها، گزینش‌ها، طرد کردن‌ها، حرف زدن و تمام مسائل زندگی مراقبت بکند. آلوده بودن دل انسان به گناه، نمی‌گذارد انسان حقیقت را درک کند. چه برسد به این‌که دنبال حقیقت حرکت کند.

ما امروز، اگر جمهوری اسلامی هستیم، اگر ادعای حکومت علوی داریم، باید این‌ها را رعایت کنیم. شما مردم نیز این‌ها را باید از ما بخواهید. اقامه دین خدا را بخواهید. این‌که ما نگاه کنیم ببینیم شرق و غرب در مفاهیم حکومتی و سیاسی حرفشان چیست، آن‌ها چه می‌گویند، ما هم سعی کنیم خودمان را آن‌طور تطبیق دهیم؛ این همان خلافت عثمانی‌هاست. مثل خلافت بنی‌امیه و بنی‌عباس است. آن‌ها هم اسم‌شان خلیفه پیغمبر بود؛ اسمشان حکومت اسلامی بود! اما رسم و عملشان حکومت کسری و قیصر و پادشاهان بود. همان‌چو که آن‌ها عمل می‌کردند، این‌ها هم همان‌چو عمل می‌کردند. اگر ما نیز این‌طور باشیم و فقط اسم حکومت، اسلامی و علوی باشد و بعد سراغ سرمایه‌داری غرب برویم، این همان نفاق خواهد شد.

راه درست برای کسی که پیرو امیرالمؤمنین است، این است که شاخصه‌های حکومت علوی را در نظر داشته باشد؛ تا اندازه‌ای که می‌تواند و قدرت دارد. طبق آن‌چه که ساز و کارهای جهانی اقتضاء می‌کند، این‌ها را رعایت کند تا آن جهت‌گیری یک سر سوزن منحرف نشود؛ این می‌شود یک انسان والا، می‌شود یک حاکم علوی؛ یک چنین حکومتی قدرتمند می‌شود؛ جامعه‌ای که مردم آن راست بگویند و از مسئولان راست بشنوند، آن‌چه را که وعده می‌دهند و می‌گویند همان را عمل کنند. این حکومت علوی است.

حرف‌ها



یکی از معدود کشورهایی که شاید بتواند این خلأ را پر کند ایران اسلامی است؛ چرا که بنای طرح‌ریزی حکومت آن و دست‌اندرکاران و کارگزاران آن متناسب با خواسته‌های مادی و معنوی انسان‌هاست و این چه بسا وظایف ما را بسیار سنگین می‌کند. سخنان مقام معظم رهبری در جمع جوانان همدان، نویدبخش این حرکت بود که ما از نظر تئوریک بسیار پیش‌رفته‌ایم، اما تبدیل کارآمد تئوری به مصادیق بیرونی می‌تواند در پیش‌برد این هدف بسیار کارآمد باشد.

این مقدمه را عرض کردیم تا بگوئیم در این حرکت لزوم توجه به حوادث تاریخی بشریت می‌تواند مدلی مناسب برای این اتفاق فراروی نهادها و اندیشه‌ها قرار دهد. از آن میان بعثت پیامبر اکرم (ص) به عنوان پل ارتباطی خواسته‌های مادی و معنوی در عصر جاهلیت می‌تواند بسیار راهگشا باشد. کنکاش در واقعه بعثت پیامبر اکرم (ص) و ابعاد اجتماعی آن و راهکارهایی که پیامبر (ص) به وسیله آن جامعه جاهلی عربستان را به نمونه‌ای والا از جوامع انسانی تبدیل نمودند؛ سرمشقی بسیار روشن در این مسیر است.

به نظر می‌رسد در هر عصر و زمانی بشریت نیاز به «بعثت» دارد. اگرچه هیچ‌گاه حد و اندازه این بعثت به عظمت بعثت پیامبر اکرم (ص) نمی‌رسد، اما لزوم وقوع حرکت‌های تکامل برانگیز در جوامع بشری همواره احساس می‌شود. انسان به جهت شکل‌پذیری ویژه‌ای که از حوادث پیرامونی خود دارد، هر از چندگاهی نیاز به تحول دارد، چه در مناسبت‌های اجتماعی و چه در رفتارهای معرفتی؛ اگر باز تاریخ را ورق بزنیم، انقلاب اسلامی در ایران یک بعثت دیگر بود که به شکلی دیگر همان ویژگی‌ها را دارا بود.

امروز نیز احساس به وقوع بعثتی متفاوت با آنچه تاکنون در تاریخ دیده‌ایم، مشاهده می‌شود. شاید امروز جوامع بشری به خصوص در کشور عزیزمان نیاز به بعثتی در خود داشته باشد در جهش از مسائل نظری به حوزه‌های مصادیق. این بعثت می‌تواند مدل رفتاری جامعه ما را تغییر دهد؛ به شرط آنکه متولیان این حرکت، با نگاهی متفاوت و اصلاح‌گر به آن بپردازند.

روند رو به رشد گرایش به پوچ‌گرایی در بین جوانان، چراغ خطری را فراروی ما روشن کرده است که اگر به بعثتی دیگر دست نیابیم، بی‌شک آسیب‌های فراوانی را از آن خواهیم خورد. انقلاب اسلامی با به سلامت گذشتن از هر مرحله‌ای می‌تواند پایه‌های خود را در جوامع بشری مستحکم کند، به شرط آنکه این بعثت اتفاق بیافتد؛ بعثتی در خود، بعثتی برای تعالی روح انسان‌ها و شکل‌دهی زندگی‌هایی متفاوت.

تاریخ بشر همواره با حوادث سترگ و جاودانه‌ای همراه بوده است. برخی از این حوادث مسیر تکامل انسان‌ها را رقم زده و زندگی آن‌ها را دستخوش تغییرات اساسی کرده است. گاه نقش این رخدادها در طول تاریخ آن‌چنان بوده است که اندیشه‌های ناب از آن هدفمند بودن هستی را استنباط می‌کردند و خود دلیل روشنی می‌شدند برای این مطلب که زندگی آدمی بی‌هدف نیست.

در روزگاری که ما در آن زندگی می‌کنیم، پوچ‌گرایی و بی‌هدف‌زیستن در بخش‌هایی از اجتماع جهانی‌مان بسیار شایع شده است. این بدان جهت است که انسان‌ها آن‌قدر خود را درگیر فن‌آوری‌های روزانه کرده‌اند که زندگی را مثل ماشین‌های مکانیکی و الکترونیکی می‌بینند. وقتی انسان خود را بی‌توجه به معنویت بالقوه‌ای که در نهادش به ودیعه گذاشته شده، با رایانه‌ها و ابزار رایانه‌ها مقایسه کند، ناچار است که همه چیز را براساس معادلات بشری ببیند؛ یعنی همه چیز یا صفر و یک است و یا سیاه و سفید.

متأسفانه به خاطر کم‌کاری‌های نهادهایی که در گذشته هدایت معرفتی انسان‌ها را در جوامع به عهده داشته‌اند و روزآمد نبودن داشته‌ها با خواسته‌ها مضل بی‌هدف زیستن و پوچ‌گرایی در کشور ما نیز چشمگیر شده است. گرایش به مدل‌های پوچ غربی چه در سطح اجتماعی و چه در ابعاد فکری وجود این مضل را به ما هشدار می‌دهد و برماست که به هر شکل ممکن با توجه نشان دادن به مباحث عمیق فکری، گرایش‌های خود را سامان‌دهی کنیم.

آنچه نگرانی‌ها را بیشتر می‌کند، این است که غرب با تمام ویژگی‌های نازل خود، آن‌چنان حرکتی را در جوامع بشری طرح‌ریزی کرده است که گاهی انسان‌های کوتاه، فکر می‌کنند تنها راه نجات، رسیدن به مدینه فاضله غرب است؛ درحالی که غرب در یک نگاه کلی تنها یک بخش از ویژگی‌های انسان را مدنظر داشته است و به دلیل عدم توانایی معرفتی در پرداختن به بُعد مایورای انسان اصلاً آن را نادیده گرفته و حتی در بیشتر موارد صورت مسأله را پاک می‌کند.

در گرایش‌های اجتماعی غرب از قبیل شیطان‌پرست‌ها و گروه‌هایی مثل رپ، راک، هوی‌متال و ... نیز این مسأله به وضوح دیده می‌شود. سخن این‌جاست که نهادهای فکری و عقیدتی باید به دنبال مدل‌هایی باشند که هم خواسته‌های امروزی بشر را پاسخ گویند و هم در تقابل با حرکت‌های پوچ‌گرا بتوانند توجه بشریت را به سمت خود جلب نمایند.

در یک نگاه فراگیر که لاجرم باید به خارج از مرزهای کشورمان نیز داشته باشیم، در می‌یابیم